



پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴، ۱۶ صفحه، ۲۰ هزار تومان - سال چهارم - شماره ۸۵۳
www.hammihanonline.ir



الیت فراتر از قانون

ترامپ چگونه کنترل روایت ایستین را از دست داد و نتوانست از خشم حامیانیش بکاهد؟



خاموشی ها ۴ ساعته شد؟

بررسی اخبار منتشر شده از طولانی تر شدن زمان قطع برق در برخی نقاط کشور



بن بست مالی یا بن بست فیلمسازی؟

بررسی فراز و فرودهای «چشم‌هایش» که بهمن فرمان‌آرا ساخت آن را تا تمام گذاشت



داستان پرنج برنج

بررسی افزایش قیمت‌ها و تشکیل پرونده برای شرکت‌های عرضه‌کننده

خبرنگاران

نوشته‌هایی به مناسبت ۱۷ مرداد روز خبرنگار
و بررسی عملکرد روزنامه‌نگاران
در جنگ ۱۲ روزه

در میدان

راویان شجاع صدای بی‌گناهان

امسال روز خبرنگار بعد از آن از راه رسید که خبرنگاران داخل ایران، از روزهای آخر خردادماه تا همین حالا در حال گذراندن آزمونی سخت‌اند؛ آزمون جنگ ۱۲ روزه از نیمه‌ششی که جنگ ایران و اسرائیل از راه رسید، خبرنگاران زیادی در داخل و خارج ایران، چشم‌ها و گوش‌هایشان را تیز کردند، شروع به پوشش میدانی محل‌های انفجار کردند، تحلیل‌های روزانه نوشتند، سراغ مصدومان و خانواده‌های شهیدان رفتند و در مجموع، در یک دوره فشرده و پیچیده، شروع به کاری کردند که تا به حال چندان تجربه‌اش نکرده بودند: روزنامه‌نگاری جنگ.



الناز محمدی
دبیر گروه جامعه

روزنامه‌نگاران معاصر جهان، برای آنچه روزنامه‌نگاری جنگ خوانده می‌شود، در همه این سال‌ها آثار کسانی را دنبال کرده‌اند که در جنگ‌های مختلف حضور داشته و مستقیم از میانه میدان گزارش داده‌اند؛ جنگ‌هایی که در دوره پراشوب معاصر، کم نبوده‌اند و قربانیان زیادی به جا گذاشته‌اند؛ نمونه‌اش جنگ ویرانگر در اوکراین و غزه که همچنان هم از میان مردم هم از خبرنگاران قربانی می‌گیرد. اما بیشتر خبرنگاران ایرانی، به‌ویژه آنها که در ایران ماندند بعد از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، حضور چندانی در میادین جنگی نداشته‌اند و این شاید جزو خوش‌شانسی آنها باشد که از مرگبارترین واقعه جهانی دور مانده‌اند؛ این دور ماندن فقط خواندن از جنگ‌های مختلف اما شاید کمی آنها را درباره آنچه که در روزهای جنگی و در میدان باید در دست داشته باشند، دور کرده‌است، اینکه وقتی جنگ می‌شود، آنها باید دقیقاً کجا بایستند؟ باید چطور استقلال‌شان را حفظ کنند و چطور از پس محدودیت‌ها بربیایند؟ پاسخ سوال آخر، برای روزنامه‌نگاران داخل ایران که جنگ ایران و اسرائیل را گزارش کردند، شاید از همه مهم‌تر باشد؛ پاسخی که شاید هرچه آثار کیت‌وب و اوربانا فالاجی و لورا پوش و کاترین گراهام و کریستین اماتیور و همه خبرنگاران جنگی را بخوانند و ببینند، کمتر از میان‌شان درباره آنچه خبرنگاران ایرانی در همه روزها و بعد ناگهان در روزهای ویژه‌ای مثل جنگ با آن روبه‌رو می‌شوند، پیدا کنند؛ درباره ممنوعیت‌های ویژه‌ای که مخصوص ایران است و شگفتا که فقط هم از سوی نظام حاکم نیست، این را دیگر همه آنها که در دوام گذشته، وقایع جنگ و آثارش بر مردم را گزارش کرده‌اند، به خوبی می‌دانند. ❏

ارزیابی تحلیلگران سیاسی از بازگشت علی لاریجانی به شورای عالی امنیت ملی و حملات توییتری دیروز سعید جلیلی

تغییر حدی است؟



محمد قوچانی دبیر کمیته سیاسی حزب کارگزاران

ما با جریانی در کشور مواجهیم که آنقدر در انقلابی‌گری افراط دارد که در مقابل عالی‌ترین نیروهای نظامی کشور حتی در سپاه مقاومت می‌کرد و الان این مقاومت را تا سطح رهبری پیش برده است. توییتهای که حساب منتسب به آقای جلیلی منتشر کرد، هم توهین به رهبری و هم توهین به مردم ایران در محتوای آن وجود دارد. این جریان در صورت انتصاب آقای لاریجانی به عنوان نماینده رهبری تنها سنگری که خواهد داشت، سنگر جبهه‌پایداری در مجلس است.



حشمت الله فلاحت‌پیشه نماینده سابق مجلس

آقای لاریجانی، نزدیک به طیفی است که در طول این مدت نسبت به افراطی‌گری هشدار دادند. افرادی که افراطی‌گری در داخل و خارج را برای این کشور سم می‌دانستند. افراطیون در این جنگ، مشخص شد که بودجه، زمان و فرصت‌های مملکت را فدای وعده‌های پوچ و عمل نشده کردند. افراطیون در حوزه‌های مختلف و در پرونده‌های مختلف، عملاً اوضاع را به گونه‌ای پیش می‌برند که چیزی غیر از بن بست نبود و هیچ دیپلماتی نتوانست بن بست را بشکند.

طرح: هادی حیدری / هم میهن

سرمقاله

دو شرط و یک اقدام

از سال گذشته که آقای پزشکیان رئیس‌جمهور شد تا امروز انتصابی معنادارتر و بااهمیت‌تر از انتصاب علی لاریجانی به دبیری شورای عالی امنیت ملی نبوده است. این انتصاب بازگشت یکی از افراد شاخص اصولگرایان اصیل به یک پست مهم و کلیدی است که تندر و هوای طرفدار پایداری سایه همه آنان را با تیر می‌زنند. با اطمینان می‌توان گفت که این انتصاب به دو شرط ظرفیت بسیار بالایی برای تغییر و تحول در کشور دارد. اولین شرط، اصلاح رویکرد سیاسی کشور در سیاست‌های داخلی و خارجی است. بازگشت به مردم در داخل و حرکت به سوی تنش‌زدایی در خارج است. این اصلاح رویکرد نیز صفر و یک نیست، بلکه کافی است که اراده‌ای برای تغییر مستمر آن دیده شود. اگر چنین تحولی رخ ندهد، گماردن لاریجانی به این مقام و مسئولیت، واجد اهمیت چندانی نخواهد بود و پیام مثبتی هم نخواهد داشت. تردیدی نیست که کارگزاران نقش مهمی در سیاست‌گذاری و فرآیند امور دارند و از این جهت آقای لاریجانی بهتر از قبلی‌ها می‌تواند ایفای نقش کند؛ ولی او نیز در نهایت باید مجری سیاست‌های کلان باشد و اگر خلاف آن عمل کند، ساختار بابا بن بست مواجه می‌کند. ایران و مردم بیش از این فرصت تکرار تجربه‌های شکست‌خورده گذشته در دوره‌های گذشته را ندارند. ❏